

مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق*

مرتضی شهبازی نیا^۱

دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

منصور عشق پور^۲

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق،
دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

ابراهیم تقی زاده^۳

استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور،
تهران، ایران

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۴/۲۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۲/۲۴

چکیده

اسرار تجاری دارای ارزش اقتصادی است و در دسترس عموم قرار ندارد لذا تلاش‌های معقولانه‌ای در حفظ و حراست از محرمانگی آن انجام می‌گیرد. افشای اسرار تجاری در سطح محدود و برای هدف مشخص به کارگران برای انجام تکالیف مربوطه، موجب از بین رفتن مالیت و محرمانگی آن نمی‌شود، به طوری که کارگران در زمان وجود رابطه استخدامی و بعد از آن، ملتزم به رازداری هستند. با این وجود، در مواردی بعد از اتمام رابطه استخدامی، کارگر سابق سبب افشای اسرار تجاری مربوط به رابطه استخدامی سابق می‌شود. این پژوهش با شناخت مفهوم و ماهیت اسرار تجاری و افشای موجب ضمان، با استفاده از

* - مقاله پژوهشی

1- Email: shahbazinia@gmail.com

۲- نویسنده مسئول: Email: m.eshghpour91@gmail.com

3- Email: taghizaadeh@gmail.com

DOI: 10.22067/le.v27i16.86871

روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه حاصل از این پژوهش مبین آن است که اسرار تجاری مال بوده و ید کارگر سابق نسبت به اسرار تجاری، امانت قانونی است، مگر این که انکار یا اقدام به افشای اسرار تجاری نماید که در این صورت با مبانی تعیین مسئول، از جمله غضب، اتلاف، دارا شدن بلاسبب و غرور، مسئول جبران خسارت، نحوه توزیع مسئولیت و مبنای مسئولیت مدنی در این حوزه قابل تعیین و بررسی است.

کلمات کلیدی: مسئولیت مدنی، اسرار تجاری، کارگر سابق، کارفرما، افشاء

مقدمه

اسرار تجاری یکی از ارزشمندترین مصادیق دارایی است و نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی جوامع دارد. افشای اسرار تجاری به صورت محدود، موجب کاهش ارزش اقتصادی آن و در صورت افشای آن بر عموم، سبب خروج آن از دامنه اسرار تجاری و از بین رفتن مالیت آن می‌شود. با این وجود، در مواردی کارفرما جهت بهره‌برداری از اسرار تجاری با هدف مشخص، اسرار تجاری را در اختیار کارگران خود قرار می‌دهد تا کارگران تعهدات قراردادی خود را انجام دهند. در مواردی که بعد از اتمام رابطه استخدامی بین کارفرما و کارگر سابق، تعهد قراردادی مبنی بر رازداری وجود ندارد، در صورتی که کارگر سابق، اقدام به افشای اسرار تجاری نماید، این سؤال مطرح می‌شود که آیا قواعد عام ضمان قهری به طور مؤثری از اسرار تجاری در این بخش حمایت می‌کند؟ دامنه وسیع اسرار تجاری، ارزش تجاری و اقتصادی آن و تشویق به نوآوری، از دلایل توجه قانونگذاران به حمایت از اسرار تجاری و مطالعه حاضر است، به طوری که ایالت متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶، هر کدام قوانین جدیدی در حمایت از اسرار تجاری وضع نمودند (Linton, 2016: 8). در حقوق ایران در حمایت از اسرار تجاری، قوانین محدودی وجود دارد و آثار علمی موجود در این خصوص بیش تر با در نظر گرفتن مبانی حقوق خارجی نوشته شده و در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق، اثر مستقلی نگارش نیافته است.

این مطالعه با در نظر گرفتن مبانی تعیین مسئول و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی در مقام تحلیل و بررسی مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق در صورت فقدان قرارداد بر مبنای قواعد عام مسئولیت مدنی است.

۱- مفهوم اسرار تجاری^۱

تحلیل حمایت از اسرار تجاری و مسئولیت مدنی ناشی از افشای آن‌ها توسط کارگر سابق بستگی به تعریف اسرار تجاری و شناسایی دامنه آن دارد. در این بخش به مفهوم اسرار تجاری به منظور تعیین دامنه حمایت از آن‌ها پرداخته شده است.

اسرار تجاری در فرهنگ حقوقی آکسفورد (Elizabet, 2003:504) به برخی فرآیندها و محصولات اطلاق شده است که به یک بنگاه تجاری تعلق داشته و افشای آن منجر به ورود ضرر به تشکیلات مذکور می‌شود. ماده (۲) ۳۹ موافقت‌نامه^۲ تریپس، اسرار تجاری را در صورت وجود شرایط ذیل تحت حمایت قرار داده است:

(الف) محرمانه باشد؛ به این معنا که به‌عنوان یک مجموعه یا با ترکیب یا سرهم کردن دقیق اجزاء آن، اشخاصی که در حیطه‌ای قرار دارند عموماً از آن آگاهی نداشته باشند یا دسترسی این اشخاص به اطلاعات مزبور به سادگی امکان‌پذیر نباشد؛ (ب) به‌خاطر محرمانه بودن، ارزش تجاری دارد، (ج) حسب اوضاع و احوال، شخصی که قانوناً کنترل اطلاعات مزبور را در اختیار دارد، برای محرمانه نگاه داشتن آن اقدامات معقولی به عمل آورده باشد (Correa, 2000: 251).

در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار در قوانین محدودی، به حمایت از اسرار تجاری پرداخته است، برای مثال، ماده ۱۵ قانون موافقت‌نامه میان دولت ایران و اتریش، در مورد کمک و همکاری دوجانبه در مسائل گمرکی مصوب ۱۳۸۳/۹/۲۲ اظهار می‌دارد: «در مواردی که طرف متعاقد درخواست شونده معتقد است اجرای درخواست باعث افشای اسرار صنعتی، تجاری یا حرفه‌ای کشور می‌باشد یا مغایر قوانین ملی آن است، می‌تواند از ارائه کمک خودداری کند». با وجود مقررات متعدد پراکنده در باب حمایت از اسرار تجاری، در ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ در خصوص تعریف اسرار تجاری آمده است: «اسرار تجاری الکترونیکی» «داده‌پیمایی» است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم‌افزارها و برنامه‌ها، ابزار و تکنیک‌ها و فرآیندها، تألیفات منتشرنشده، روش‌های انجام تجارت دادوستد، فنون، نقشه‌ها و

1 - Commercial Secrets.

2 - Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).

فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح‌های تجاری و امثال این‌هاست که به‌طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آن‌ها انجام شده است.»

اسرار تجاری در صورتی از حمایت قانون برخوردار است که ارزش اقتصادی داشته و در دسترس عموم نباشد؛ هم‌چنین تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آن‌ها انجام شده باشد. عدم انجام این تکالیف موجب خروج اطلاعات از دامنه تعریف اسرار تجاری می‌شود و اطلاعات مشمول حمایت‌های قانونی نخواهد بود. در مواردی کارفرما، تلاش‌های معقولانه‌ای جهت حفاظت از اسرار تجاری می‌نماید، لیکن برای استفاده از اسرار تجاری ناگزیر است اسرار تجاری را برای کارگران خود افشاء نماید تا کارگران بتوانند تعهدات قراردادی خود را با استفاده از آن‌ها انجام دهند و مزایا و منافع حاصل از این افشای محدود برای کارفرما و مالک خواهد بود. افشای اسرار تجاری در این سطح و به‌صورت محدود به کارگران جهت انجام تعهدات قراردادی موجب خروج اسرار تجاری از دامنه تعریف اسرار تجاری نمی‌شود.

۲- ماهیت اسرار تجاری

شناخت اسباب و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق، مستلزم تبیین ماهیت اسرار تجاری است. حق کارفرمای سابق نسبت به اسرار تجاری افشا شده و مالیت آن سؤال اصلی این قسمت است. جهت پاسخ به این سؤال ابتدا به بررسی اجمالی مفهوم مال پرداخته شده و سپس ماهیت اسرار تجاری بررسی شده است.

«مال در اصطلاح به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد دادوستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته (Emami, 2004: 19) و در برابر آن پول یا مال دیگر داده شود. معیار تمیز این ارزش، نوعی است و در اختیار عرف، یعنی در بازار معادل مبلغی پول است.» (Katouzian, 2004: 169) به جهت وجود اختلاف نظر در مال بودن همه مصادیق اسرار تجاری، در خصوص ماهیت اسرار تجاری نظرات مختلفی مطرح شده است:

در نظریه اول، اسرار تجاری از جمله «حقوق» محسوب شده و عنوان شده است کلیه حقوق به این دلیل دارای ارزش اقتصادی هستند که مال محسوب می‌شوند (Elsan, 2008: 4). این نظریه،

مطلق حقوق را دارای ارزش اقتصادی دانسته، در حالی که کلیه حقوق ارزش اقتصادی ندارند و اسرار تجاری به جهت داشتن ارزش اقتصادی مال محسوب می‌شوند نه این که چون مال هستند، ارزش اقتصادی داشته باشند.

در نظریه دوم: برخی از مصادیق اسرار تجاری را مال و برخی دیگر از مصادیق اسرار تجاری را فاقد وصف مالیت دانسته‌اند. به عنوان مثال، اطلاعات مربوط به ضعف‌های شرکت، فاقد مالیت توصیف شده است (Rahbari, 2016: 84) یا در پرونده (Oxford v. Moss) در سال ۱۹۷۹ که در آن دانشجویی قبل از امتحان، اقدام به سرقت سؤالات امتحانی کرد و به سرقت اطلاعات محرمانه متهم شد. این اتهام با استدلال بر این که اطلاعات محرمانه، مال به‌شمار نمی‌آیند، رد شد (<https://www.revolvy.com/page/Oxford-v-Moss>). تحلیلی که از ماهیت اسرار تجاری مطابق این نظریه شده است با ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک همخوانی ندارد، زیرا شرط سر تجاری توصیف شدن اطلاعات محرمانه، داشتن ارزش اقتصادی مستقل است. لذا مصادیقی از اطلاعات محرمانه از جمله اطلاعات مربوط به ضعف‌های شرکت و سؤالات امتحانی که ارزش اقتصادی نداشته باشند از مصادیق اسرار تجاری محسوب نمی‌شوند؛ بنابراین، مثال‌های مطروحه نمی‌تواند در حقوق ایران به عنوان دلیلی بر غیرمالی بودن برخی از مصادیق اسرار تجاری مورد استفاده قرار گیرد. مطابق ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک، همه مصادیق اسرار تجاری «به‌طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده» و داشتن ارزش اقتصادی مستقل، قابلیت داد و ستد و مبادله را به اسرار تجاری می‌دهد که منطبق با مفهوم مال در حقوق موضوعه و فقه امامیه است. رویکرد قانون‌گذار در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ نیز که دانش فنی را در ماده ۱ به عنوان یکی از مصادیق سرمایه‌گذاری خارجی آورده نشان‌دهنده مالیت اسرار تجاری است. با این وجود، برخی از مصادیق اسرار تجاری علاوه بر این که ارزش اقتصادی مستقل دارند دارای جنبه غیرمالی هم هستند، برای مثال حق تألیف منتشره نشده در ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک علاوه بر مالیت، دارای جنبه غیرمالی هم هست.

بعد از شناخت ماهیت اسرار تجاری، جهت تشخیص حکم قانون، نوع حق کارفرمای سابق نسبت به اسرار تجاری و نوع مال موضوع حق قابل تعیین است. با در نظر گرفتن مفاهیم حقوق موضوعه در این خصوص، حق کارفرمای سابق نسبت به اسرار تجاری حق عینی توصیف می‌شود؛ «حقی که به‌طور مستقیم بر موضوع خود اعمال می‌شود و لازم نیست اجرای آن از دیگری مطالبه

شود. ولی هر گاه موضوع حق در تصرف دیگری باشد و او مانع اجرای آن گردد، صاحب حق می‌تواند رد مال را از متصرف بخواهد» (Katouzian, 2018: 14).

۳- تزامم حقوق کارفرما و کارگر سابق

با بررسی ماهیت اسرار تجاری، مشخص شد که اسرار تجاری مال بوده و به تبع مال توصیف شدن ماهیت آن و مالکیت کارفرما، کارفرما مطابق «قاعده تسلیط»، حق همه گونه تصرف در اسرار تجاری را دارد. از طرف دیگر، کارگر برای گذراندن معیشت خود و خانواده‌اش نیازمند کسب درآمد است و برای این منظور بر نیروی جسمی و روحی خود تکیه دارد. مرز بین مهارت‌های فردی و منافع کارگر با حق کارفرمای سابق، مرز باریکی است که باید مشخص شود. تبیین این موضوع در گرو پاسخ به این سؤال است که در صورت اتمام رابطه استخدامی، آیا کارگر سابق تعهد رازداری دارد یا خیر؟

التزام کارگر سابق به حفظ اسرار تجاری، محدود به وجود رابطه استخدامی نبوده و بعد از اتمام رابطه استخدامی هم کارگر سابق متعهد به حفظ اسرار تجاری است. در تبیین حقوق کارگر سابق و کارفرما باید ماهیت اسرار تجاری، قواعد حاکم بر اجاره اشخاص و قراردادهای کار در نظر گرفته شود تا معیارها و مرزهای حقوق طرفین مشخص شود. ضابطه‌هایی چون مهارت‌های فردی، جسمی، معلومات جزئی، کم‌اهمیت و مبهم بودن اطلاعاتی که در حوزه دانش عمومی قرار گرفته است و کارگر از آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای انجام تعهدات خود استفاده می‌کند، بخشی از دانش فردی کارگر محسوب شده و کارگر می‌تواند از این اطلاعات در شغل‌های بعدی خود استفاده کند، لیکن مصادیقی که کارفرما برای کسب آن اقدام به سرمایه‌گذاری نموده و به صورت متعارف و معقول سعی در حفظ محرمانگی آن‌ها کرده و به عنوان اسرار تجاری در اختیار کارگر قرار داده است، حق مالک بوده و افشای آن بدون اذن کارفرما، ضمان آور است.

۴- افشای موجب مسئولیت مدنی

برای انجام تعهدات استخدامی و قراردادی، اسرار تجاری در اختیار کارگر قرار داده می‌شود و استفاده از آن با اجازه کارفرما و در راستای هدفی مشروع یا اجازه قانون صورت می‌گیرد. مطابق

ماده ۵۹ قانون تجارت الکترونیکی در صورتی که اسرار تجاری برای اهداف مشخص در اختیار کارگر قرار داده شود او باید آن را برای اهداف تعیین شده مورد استفاده قرار دهد و اصول مشروعیت، منصفانه و مرتبط بودن به کارگیری را رعایت نماید. بنابراین، استفاده از اسرار تجاری باید در راستای هدفی مشروع و با اجازه مالک یا اجازه قانون بوده؛ با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، بهترین روش برای به کارگیری آن انتخاب شود؛ و تنها در صورت ضرورت و در حد ضرورت و مرتبط با هدف اعلام شده، اسرار تجاری به کار گرفته شود (Mohseni, 2015: 536-537). بنابراین، «فراهم نمودن وضعیتی که شخص ثالثی بالقوه یا بالفعل امکان وقوف بر اسرار تجاری را داشته باشد افشای اسرار تجاری بوده» (Aslani, 2010: 144) و جز در راستای وظایف شغلی یا مواقع ضروری ممنوع و موجب مسئولیت مدنی است.

بعد از اتمام رابطه استخدامی نیز، مستخدم باید با حسن نیت مستنبط از ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، رعایت حق مالکیت کارفرما، انصاف و رویه‌های ضد رقابتی، از افشای اسرار تجاری بدون مجوز قانون و اجازه شخص یا نماینده وی خودداری کند. قانون‌گذار، افشای اسرار تجاری را در بند «ک» ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، نوعی عمل مخل رقابت دانسته و در ماده ۶۶ همان قانون، امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی را با رعایت شرایط خاص مقرر کرده است. مطابق ماده ۶۶ قانون فوق: «اشخاص حقیقی و حقوقی خسارت‌دیده از رویه‌های ضد رقابتی مذکور در این قانون، می‌توانند حداکثر ظرف یک سال از زمان قطعیت تصمیمات شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر مبنی بر اعمال رویه‌های ضد رقابتی، به منظور جبران خسارت به دادگاه صلاحیت‌دار دادخواست بدهند. دادگاه ضمن رعایت مقررات این قانون در صورتی به دادخواست رسیدگی می‌کند که خواهان رونوشت رأی قطعی شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر را به دادخواست مذکور پیوست کرده باشد.» علاوه بر این، در مواد ۶۴ و ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی، افشای اسرار تجاری، جرم‌انگاری شده است.

افشای موجب مسئولیت مدنی، رفتار کارگر سابق در قراردادن اسرار تجاری در اختیار دیگران بدون اجازه مالک یا نماینده وی یا بدون مجوز قانونی است. از نظر دامنه اطلاعات افشاء شده نیز، افشای موجب ضمان لزوماً افشای اطلاعات برای عموم به ترتیبی که باعث اتلاف سر تجاری شود، نیست؛ بلکه افشای اسرار تجاری حتی به صورت محدود، موجب ورود ضرر به مالک اسرار تجاری می‌شود. با در نظر گرفتن مطالب فوق، ورود ضرر، فعل یا تقصیر کارگر سابق و رابطه سببیت از

ارکان مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری است، لیکن در حوزه فقه و حقوق اسلامی، در مواردی که مبنای تعیین مسئول ضمانت است، نیازی به رابطه سببیت نیست (Safaei & Rahimi, 2018: 303) ولی باید یادآوری کرد که افشای اسرار تجاری با رضایت مالک یا نماینده او، مانع تحقق مسئولیت مدنی است. با وجود این، در مواردی برحسب مورد، رضایت مالک یا نماینده وی برحسب مورد موضوعیت نداشته یا تأثیری در مشروعیت عمل کارگر سابق ندارد که در این بخش به دو نمونه از مصادیق آن اشاره می‌شود.

۴-۱- امر آمر قانونی

افشای اسرار تجاری در چهارچوب امر آمر قانونی، توسط کارگر سابق در صورتی که آمر مقام عمومی بوده و صلاحیت داشته باشد، مانع مسئولیت مدنی است. به عبارت دیگر، آمر علاوه بر صلاحیت قانونی باید اختیار و قدرت اصدار اوامری که از سوی قانون‌گذار به وی تفویض شده است را داشته باشد؛ در غیر این صورت، اوامرش فاقد اثر قانونی و حقوقی ایجاد مانع برای تحقق مسئولیت خواهد بود (Qasemi & Karmozdi, 2009) لذا در صورتی که آمر، مقام عمومی باشد و قانون‌گذار اختیار و قدرت اصدار اوامر را به مأمور تفویض نماید و کارگر سابق، در محدوده حکم یا امر آمر قانونی، اقدام به افشای اسرار تجاری نماید، حتی در صورت فقدان رضایت مالک یا نماینده وی، امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی وجود ندارد.

۴-۲- افشای ناشی از رضایت ورشکسته

طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت، تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد، مدیر تصفیه (اداره تصفیه)، قائم مقام قانونی ورشکسته است. با مؤثر نبودن رضایت تاجر ورشکسته نسبت به اموال خود، در صورتی که کارگر سابق با رضایت تاجر ورشکسته اقدام به افشای اسرار تجاری نماید و این افشاء موجب از بین رفتن اسرار تجاری نشود، با بقای اسرار تجاری و استیلاهی کارگر سابق و گیرنده اسرار تجاری در نتیجه افشای اسرار تجاری، عمل در حکم غصب بوده و تکلیف به استرداد اسرار تجاری به قائم مقام تاجر ورشکسته به وجود می‌آید. در صورت تلف نیز کارگر

مسئول است، لیکن از باب غرور، حق مراجعه به تاجر ورشکسته و طرح دعوای مسئولیت مدنی با رعایت مقررات ورشکستگی خواهد داشت.

۵- ماهیت، مبانی تعیین مسئول و مبانی مسئولیت مدنی

شناخت مفهوم و ماهیت اسرار تجاری مقدمه بررسی قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری است. در این بخش با در نظر گرفتن مفهوم و ماهیت اسرار تجاری، نوع تعهد کارگر سابق، مبانی تعیین مسئول و مبانی مسئولیت مدنی افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق بررسی شده است.

۵-۱- ماهیت مسئولیت مدنی (قراردادی یا خارج از قرارداد)

منشأ التزام و تعهد ممکن است اراده و قرارداد متعهد باشد یا تعهد ممکن است ناشی از قانون ایجاد شود (Bariklou, 2017: 24) در خصوص تعهد کارگر سابق به رازداری این سؤال مطرح می شود که التزام کارگر سابق به جبران خسارات، ناشی از قانون است یا قرارداد؟ پاسخ به این سؤال در شناخت مبانی مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری هم مؤثر است. با توجه به توجیه تعهد کارگر سابق در عدم افشای اسرار تجاری با شرط ضمنی این تصور ایجاد می شود که ماهیت مسئولیت مدنی در این حوزه، علاوه بر مسئولیت مدنی قهری، مسئولیت مدنی قراردادی نیز باشد.

تعهد به رازداری در بعضی از نظریات حقوقی با شرط ضمنی توجیه شده است. از این دیدگاه، تعهد به رازداری را با استفاده از سازوکار شرط ضمنی توجیه نموده اند. مطابق این نظر، اراده ضمنی بر این تعلق گرفته است تا در صورت عدم اعتبار قرارداد، تعهد به رازپوشی به عنوان یک تعهد مستقل، هم چنان ادامه یابد (Dean, 2002: 169). مطابق این نظر، کارگر بعد از اتمام رابطه استخدامی، ملزم به رعایت رازداری است. این تعهد به صورت شرط ضمنی بوده و نیازی به تصریح ندارد. در حقوق ایران، شرط ضمنی به عنوان شرطی که مدلول التزامی الفاظ قرارداد است تعریف شده است؛ شرطی که علی رغم عدم ذکر آن در منطوق قرارداد، به حکم عقل یا قانون یا عرف، لازمه مفاد توافق یا طبیعت قرارداد است (Katouzian, 2016: 119) با شناخت شرط ضمنی و با توجه به این که تعهد ناشی از شرط، از حیث وجود و آثار، پیرو

توافق درباره التزام اصلی است، با انحلال عقد، اصولاً شرط نیز منحل شده و تعهد ناشی از شرط نیز ساقط می‌شود (Katouzian, 2016: 282-283) نتیجه انحلال شرط ضمنی به سبب انحلال عقد، شرط ضمنی نبودن تعهد کارگر سابق به حفظ اسرار تجاری و قراردادی نبودن التزام به جبران خسارات ناشی از افشای اسرار تجاری است. به عبارت دیگر، به این جهت که ریشه مسئولیت‌های متصوره کارگر سابق، قرارداد نیست، با اتمام رابطه استخدامی و انحلال قرارداد منشأ، شرط ضمنی نیز منحل شده و تعهد به رازداری بر مبنای شرط ضمنی نیست، با این حال، در صورت انعقاد قراردادهای عدم رقابت، عدم ترغیب و رازداری، ماهیت مسئولیت مدنی کارگر سابق در افشای اسرار تجاری قراردادی است.

۲-۵- مبانی تعیین مسئول

مبنای الزامات خارج از قرارداد، نفع رسیده به یک شخص یا خسارت وارده به اوست. نقض رازداری توسط کارگر سابق سبب ورود ضرر به کارفرمای سابق شده و هم‌چنین ممکن است نفعی به کارگر یا شخص ثالث رسیده باشد. در این بخش با استفاده از ملاک‌های تعیین مسئول از جمله؛ غصب، اتلاف، غرور و دارا شدن بدون سبب، ضمن تعیین شخص زیان‌زننده و جبران‌کننده زیان، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱- استیلاء و اثبات ید بر اسرار تجاری به صورت عدوانی

در فقه امامیه، ماهیت عمل حقوقی انعقادی بین کارگر و کارفرما، اجاره اشخاص توصیف شده است و اجیر در فقه اعم از کارگر در مفهوم حقوقی و پیمانکار مستقل است (Khodabakhshi, 2016: 65) با وجود این، در حقوق فعلی، بخش مهمی از روابط کارگر و کارفرما از حقوق مدنی جدا شده و در شاخه حقوق کار قرار گرفته است. با در نظر گرفتن این موضوع که کارگر در زمان وجود رابطه استخدامی با اذن کارفرما اسرار تجاری را در تصرف دارد، ید کارگر نسبت به اسرار تجاری امانی بوده و ضمانتی و عدوانی نخواهد بود. به عبارت دیگر، تعهد کارگر به حفظ اسرار تجاری در حدود و چهارچوب تعهدات امین بوده و مطابق قاعده «ائتمان»، کارگر نسبت به تلف امانت ضامن نیست؛ مگر این که تعدی یا تفریط کرده باشد (Mostafavi, 2011: 156)

بعد از اتمام رابطه استخدامی، اذن کارفرمای سابق به تصرف در اسرار تجاری که به منظور اجرای تعهد کارگر داده شده بود از بین می‌رود و این سؤال باقی می‌ماند که وضعیت ید کارگر سابق نسبت به اسرار تجاری تحت استیلاء و شخص ثالثی که با افشاء به اسرار تجاری دست یافته، چیست؟ در فقه امامیه مطابق نظر رهبر کبیر انقلاب، اگر عین، به تبع عنوان دیگر امانت مالکی باشد و آن عنوان از بین برود، در این که این امانت، امانت مالکی است یا شرعی، دو وجه، بلکه دو قول است که اولی آن‌ها خالی از رجحان نیست (Mousavi-Khomeini, 2004: 549)؛ لیکن ایشان در جای دیگری فرموده‌اند: در صورت از بین رفتن امانت به سبب فوت یا دیوانه شدن، ودیعه در دست ودعی امانت شرعی است که واجب است فوراً آن‌را به وارث مودع یا ولی او رد کند یا به آن‌ها اطلاع دهد، پس اگر بدون عذر شرعی اهماً کند، ضامن است (Mousavi-Khomeini, 2004: 539) بنابراین، ید کارگر سابق نسبت به اسرار تجاری امانت قانونی بوده و مطابق قاعده، امین ضامن نیست، مگر این که تعدی و تفریط کرده باشد (Bojnourdi, 1998: 9) در صورت انکار اسرار تجاری و استتکاف از استرداد آن، مستنداً به شق دوم ماده ۳۰۸ و ماده ۳۱۰ قانون مدنی، ید کارگر سابق ضمانتی بوده و کارگر سابق در حکم غاصب است. با شناسایی غصب به عنوان یکی از اسباب تعیین مسئول، تکلیف اشخاص ثالثی که بر اسرار تجاری به صورت عدوانی استیلاء یافته‌اند مشخص می‌شود و ابهام در این خصوص حل می‌شود. با توجه به این که غصب علاوه بر حکم تکلیفی دارای حکم وضعی نیز هست و در صورت افشاء به صورت محدود و نسبت به بعضی اشخاص، محرمانگی اطلاعات از بین نمی‌رود (Cornish & Llewelyn, 1981: 309) و مالیت آن باقی می‌ماند، بدین ترتیب در صورتی که عین مال مغضوب موجود و رد آن ممکن باشد، کارگر سابق که اسرار تجاری را افشاء کرده و غاصبین بعدی مطابق مواد ۳۱۶ و ۳۱۷ قانون مدنی مسئولیت تضامنی در استرداد عین دارند (Katouzian, 2018: 289) علاوه بر مسئولیت مدنی غاصبین در استرداد عین، در صورتی که استیلاء غاصبین به اسرار تجاری موجب محرومیت مالک از استیفاء منفعت شده باشد، هر یک از غاصبین مطابق ماده ۳۲۰ قانون مدنی به اندازه زمان تصرف خود و مابعد خود ضامن منافع مستوفات و غیر مستوفات هستند؛ در غیر این صورت، (در صورتی که استیلاء بر اسرار تجاری موجب محرومیت مالک نشود) کارگر سابق و یدهای بعدی مسئول منافع مستوفات هستند. مبنای حقوقی این ضمان دربارۀ منافع استیفاء شده اتلاف و نسبت به منافع تفویض شده تسبیب و گاه تنها ضمان ید است (Katouzian, 2018: 296)

اگر در زمان مراجعه مالک به غاصب یا غاصبین در اثر افشای عمومی، اسرار تجاری طبیعت رازگونه خود را از دست بدهد، در این صورت مالیت اسرار تجاری نیز از بین می‌رود (Hur, 2000:447) و این وضعیت تلف اسرار تجاری محسوب شده و متصرف باید قیمت روز تلف را بپردازد، به جهت این که در هنگام استرداد، پرداخت عین متعذر و غیرممکن است و به پرداخت نرخ همان روز ملزم خواهد شد (Yazdi, 2000: 96)

در صورت اتلاف اسرار تجاری توسط یکی از غاصبین و ناآگاهی بعضی از آن‌ها به وضعیت مال و غصبی بودن آن، مسئولیت نهایی تحمل خسارت، متوجه غاصبی است که از وضعیت غصبی بودن مال (اسرار تجاری) اطلاع داشته است و به استناد ماده ۳۲۵ قانون مدنی و قاعده غرور، متصرف جاهل به غصب، حق دارد تمام خسارتی که مالک از او گرفته است، از غاصب قبل از خویش مطالبه کند (Bariklou, 2017: 219-221)

۵-۲-۲- اتلاف

مطابق ماده ۳۲۸ قانون مدنی در اتلاف و ضمان ناشی از آن به هیچ وجه، عنصر عمد و قصد دخالت ندارد. مقصود از عمد و قصد، اراده و عزم نسبت به اتلاف و اضرار به غیر است، ولی بی‌تردید، فاعلیت در عمل و تحقق انتساب و نیز ارتباط فاعل با پدیده تلف لازم است (Mohaqqeq-Damad, 2017: 150) در قانون مدنی، در بخش اتلاف سخنی از تقصیر نیست و برای احراز ضمان، رابطه مستقیم میان فعل شخص و تلف کافی است؛ هرچند در غالب موارد، این رابطه عرفی در صورتی احراز می‌شود که شخص مرتکب تقصیری شده باشد (Katouzain, 2016: 205) با شناخت ماهیت اسرار تجاری، مال و عین بودن آن در حقوق ایران، قاعده اتلاف به عنوان یکی از اسباب تعیین مسئول مورد استناد قرار خواهد گرفت.

با توجه به این که افشای رازهای تجاری در سطح عموم و انتشار آن موجب از بین رفتن خصوصیت محرمانگی راز تجاری می‌شود و دیگر اطلاعات، راز تجاری محسوب نمی‌شود (Hur, 2000:447)، اتلاف اسرار تجاری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «اتلاف اسرار تجاری آن است که شخصی اسرار تجاری را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تلف کند یا ارزش مالی و اقتصادی اسرار تجاری را از بین ببرد». این تعریف شامل اتلاف حقیقی و حکمی بوده و هم‌چنین اتلاف بالمباشره و بالتسبیب اسرار تجاری را پوشش می‌دهد. با تحقق این تعریف، ضمان ناشی از اتلاف

اسرار تجاری بر ذمه کارگر سابق مستقر خواهد شد. در صورتی که کارگر سابق، اسرار تجاری را غصب کند و با افشاء در اختیار فرد دیگری قرار دهد و او آنرا تلف کند. در این موارد، کارفرمای سابق، حق رجوع به هر دو را دارد. سرانجام، ضمان برعهده متلف مستقر می‌شود؛ زیرا چنانچه صاحب مال به غاصب رجوع کند، او نیز حق مراجعه به متلف را خواهد داشت.

۵-۲-۳- استفاده بدون سبب

یکی از مبانی تعیین مسئول در افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق، نظریه «تعهدات ناشی از استفاده بدون سبب» است. براساس این نظریه، اگر شخصی بدون یک علت قانونی یا قراردادی به زیان دیگری دارا شود، بر طبق عدالت و انصاف باید عین مالی را که از این طریق به دست آورده یا بدل آنرا به زیان دیده برگرداند (Safaei, 1985: 9-10) حقوق باید از «استفاده بدون جهت» جلوگیری کند و به کسی که به زیان او استیفای نامشروع صورت گرفته، اجازه دهد تا آنچه را که به ناحق از دست داده، در پناه قانون بازستاند (Katouzain, 2018: 389) زمانی می‌توان به ممنوعیت قاعده دارا شدن بلاسبب استناد کرد که برای (و در راستای) دارا شدن، هیچ عنوان حقوقی قراردادی‌ای، مانند ضمان معاوضی، فسخ قرارداد و تلف مبیع قبل از قبض و هیچ ضمان قهری مانند اتلاف، تسبیب یا استیفا در میان نباشد (Alidoust, 2016: 10) قاعده دارا شدن بلاسبب که به عنوان یکی از مبانی تعیین مسئول در باب افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق مورد استناد قرار می‌گیرد با قاعده ضمان ید تفاوت دارد؛ به طوری که در این فرض، استیلا بر مال غیر ملاک و مبنا نبوده، بلکه افزایش و کاهش دارایی ملاک است. به جهت ملاک بودن افزوده شدن دارایی، منافع غیر مستوفات، مطابق این قاعده، قابل مطالبه نیست (Yasrebi, 2006: 55)

در دارا شدن بلاسبب، انتفاع ناروا موجب مسئولیت مدنی است و میزان رجوع به اندازه انتفاع است، بنابراین، اگر کارگر سابق و ثالث به کارفرما در نتیجه افشای اسرار تجاری ضرر وارد کنند و خود منتفع نشوند، عنوان دارا شدن بلاسبب مبنایی برای تعیین مسئول نیست. به عبارت ساده‌تر، در صورتی مسئولیت ناشی از دارا شدن بلاسبب مطرح می‌شود که خواننده در نتیجه افشای اسرار تجاری، منفعتی کسب کند و کسب این منافع بدون مجوز قانون و رضایت مالک باشد. در این صورت، به عنوان یکی از اسباب تعیین مسئول و سبب مسئولیت مدنی است.

۳-۵- مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق

بعد از بررسی مبانی تعیین مسئول، در این بخش این سؤال مطرح می‌شود که بعد از اتمام رابطه استخدامی، چرا کارگری که بدون رضایت کارفرما اقدام به افشای اسرار تجاری نموده مسئول جبران خسارتی است که به مالک اسرار تجاری افشاء شده، وارد شده است؟ پاسخ این سؤال ارتباط تنگاتنگی با ماهیت مسئولیت مدنی کارگر سابق بعد از اتمام رابطه استخدامی در افشای اسرار تجاری دارد. در صورتی که یکی از مبانی تعهد کارگر سابق، شرط ضمنی قلمداد شود، در این صورت ماهیت مسئولیت مدنی بر مبنای قراردادی نیز قابل تصور است. در این صورت، عدم اجرای تعهد قراردادی، اماره تقصیر تلقی می‌شود و نظریه تقصیر، مبنای مسئولیت مدنی نیست؛ زیرا اگر صرف عدم اجرای قرارداد را تقصیر بدانیم؛ حتی در صورت انتساب عدم انجام تعهد به عوامل خارجی، متعهد از بار مسئولیت رها نمی‌شود، حال آن‌که علت خارجی، فعل ثالث، عامل قهری و فورس ماژور می‌تواند از عوامل رافع مسئولیت او باشد (Dayani & Eshghpour, 2016: 75-86) با در نظر گرفتن این نظریه و در صورت حاکمیت شرط ضمنی بر منشأ بودن تعهد کارگر سابق، افشاء شدن اسرار تجاری، اماره بر تقصیر قلمداد می‌شود.

با در نظر گرفتن ماهیت مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق، قواعد و قوانین موضوعه از جمله قانون مسئولیت مدنی و اسباب تعیین مسئول در مواردی که قراردادی در خصوص رازداری وجود ندارد، اصل بر مبنای بودن نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی است. مطابق این نظریه، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در خصوص مبنای مسئولیت عام و قوانین دیگر خاص هستند (Safaei & Rahimi, 2018: 65) بنابراین، مبنای مسئولیت مدنی کارگر سابق در افشای اسرار تجاری و در فرض فقدان قرارداد، نظریه تقصیر بوده و صرفاً مواردی که مطابق قانون از مبانی دیگری مثل اتلاف، غصب یا دارا شدن بلاسبب تبعیت می‌کنند از حاکمیت نظریه تقصیر خارج است. با در نظر گرفتن تحلیل فوق نتایج زیر قابل استنباط است؛

۳-۵-۱- با امانت قانونی توصیف شدن ید کارگر سابق قبل از انکار و استنکاف از استرداد اسرار تجاری، در صورت افشاء شدن اسرار تجاری، مبنای مسئولیت مدنی، نظریه تقصیر بوده و در صورتی که کارگر سابق در حفظ اسرار تجاری مرتکب تعدی و تفریط شود، مسئول جبران خسارات است، لیکن تقصیر کارگر سابق صرفاً ناظر به کوتاهی در نگهداری اسرار تجاری نیست،

بلکه کارگر سابق باید اقدام به استرداد اسرار تجاری نموده یا به مالک اطلاع دهد که اسرار تجاری در نزد وی است. عدم انجام این تکالیف نیز خود نوعی تقصیر محسوب می‌شود.

۲-۳-۵- در صورت انطباق عنوان با دارا شدن بدون سبب و حاکمیت این قاعده، مبنای مسئولیت مدنی نظریه تقصیر نیست (Safaei & Rahimi, 2018: 13) و به فعل خواننده توجه نمی‌شود و کافی است رابطه میان فزونی یافتن دارایی و کاسته شدن از دارایی موجود باشد (Katouzain, 2018: 395)

۳-۳-۵- در صورتی که عین اسرار تجاری موجود بوده و از مالیت نیفتاده باشد، با غاصبانه توصیف شدن ید کارگر سابق، تضمین حق موضوع آن بر غاصب تحمیل می‌شود. کارگر سابق، ضامن عین و منافع آن است خواه مرتکب تقصیر شود یا تقصیری نداشته باشد و خواه بین فعل او و تلف مال رابطه سببیت وجود داشته باشد یا این دو نسبت به هم بیگانه باشند (Katouzain, 2018: 222) بنابراین، مسئولیت ناشی از غصب، مبتنی بر نظریه مسئولیت مطلق است (Yazdanian, 2016: 455)

۴-۳-۵- اگر افشای اسرار تجاری موجب اتلاف آن شود، همین که رابطه علیت عرفی بین کار شخص و تلف موجود باشد، برای فاعل ایجاد مسئولیت می‌کند. لزومی ندارد که تقصیر احراز شود (Katouzain, 2018: 210) و مبنای مسئولیت، نظریه مسئولیت محض است (Yazdanian, 2016: 455)

۶- توصیف محرمانگی و تأثیر آن در مسئولیت مدنی کارگر سابق

علم و عمد کارگر به سرّ تجاری بودن اطلاعات مورد دسترسی و توصیف محرمانه بودن این اطلاعات توسط کارفرما و تأثیر آن در مسئولیت مدنی کارگر سابق سؤال این بخش است. در مواردی نقض رازهای تجاری در فضای مبتنی بر حسن نیت صورت می‌گیرد. بدین معنا که ناقض نسبت به محرمانگی اطلاعات ناآگاه بوده یا به‌طور تصادفی یا از روی اشتباه، مأخذ دریافت اطلاعات را فراموش کرده یا تصور کند خود نسبت به اطلاعات دست یافته است (Cornish & Llewelyn, 1981:324) مطابق این دیدگاه، مسئولیت مدنی در صورتی بر ناقض جاهل بار می‌شود که وی از خصوصیت محرمانگی اطلاعات آگاهی داشته باشد.

در حقوق ایران در باب غصب بعضی از اساتید حقوق در جهت احراز تحقق رکن عدوان عنوان کرده‌اند که غاصب باید بداند اجازه‌ای برای تصرف در مورد غصب ندارد (Safaei &

Rahimi, 2016: 25) و هم‌چنین عنوان شده است که غاصب باید بداند مال متعلق به غیر است (sarvi, 2012: 148_ Emami, 2004: 358_ Bariklou, 2017: 148-149_ Bahrami-Ahmadi, 2009: 35) با در نظر گرفتن ظاهر این عبارات، کارگر می‌تواند به عدم توصیف محرمانگی استناد کرده و مدعی جهل به سرّ تجاری و مال بودن اسرار تجاری شود؛ لیکن نظرات به شرط بودن علم در باب غصب حقیقی به جهت عقوبت شرعی آن است و به نظر می‌رسد نظر مورد اشاره، منصرف از اثبات ید باشد (Eshghpour, 2017: 100)، در این خصوص، نظر فقها این است که به غیر حق، اعم از عدوان است و در صورتی که مستولی بر مال غیر، جاهل باشد، ید عدوانی نخواهد بود ولی ضمانی است (Najafi, 1983: 12_ Alamehi, 1996: 148)

با در نظر گرفتن مبانی تعیین مسئول در مباحث قبل، تعهد به رازداری بعد از اتمام رابطه استخدامی نیز قابل استنباط است، به جهت این که تعهد به رازداری برای کارگر سابق با تسلیم اطلاعات محرمانه با هدف مشخص و استفاده در چهارچوب مشخص به وجود می‌آید و کارفرما از ابزارهای مشخصی جهت حفظ اسرار تجاری استفاده می‌کند که نشان‌دهنده محرمانه بودن اطلاعات است. عدم اعلام صریح محرمانگی مانع تحقق مسئولیت مدنی نیست؛ زیرا ماهیت بسیاری از اطلاعات، نحوه دسترسی و اقدامات کارفرما، گویای محرمانگی اطلاعات است، لیکن این موضوع در میزان مسئولیت مدنی کارگر بی‌تأثیر نیست. در مواردی که مسئولیت در این حوزه مبتنی بر تقصیر است، عدم توصیف محرمانگی توسط کارفرما با وجود اقدامات لازم در نگه‌داری و حفظ اطلاعات، تقصیر کارگر سابق را در محدوده تعریف تقصیر سبک قرار داده و در میزان مسئولیت کارگر سابق تأثیر داشته باشد. تقصیری که فاعل زیان، خواهان تحقق یافتن آن نبوده است، بلکه فقط مرتکب یک بی‌احتیاطی یا غفلت شده که بدون ارتکاب آن زیان رخ نمی‌داد (Loorrasa, 1996: 54) در حقوق ایران، در مواردی که مسئولیت مدنی کارگر سابق مبتنی بر تقصیر است، مطابق بند ۲ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «وقوع زیان خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارده کننده زیان شود»، به جهت عدم اعلام صریح محرمانگی اطلاعات، تقصیر کارگر سابق، تقصیر سبک توصیف شده و در میزان مسئولیت وی مؤثر است و قاضی می‌تواند میزان خسارت را تخفیف دهد.

۷- معیارهای تعیین خسارت قابل پرداخت

نظام مسئولیت مدنی در حقوق اسلام و ایران نوعی کثرت‌گرایی در هدف را پذیرفته است. جبران خسارت، بازدارندگی و توزیع ضرر از جمله هدف‌های مسئولیت مدنی است که هدف جبران خسارت یکی از هدف‌های بسیار مهم مسئولیت مدنی است (Badini, 2004: 104) که با شناسایی این هدف، ضرر، به‌عنوان رکن مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری خواهد بود (Colston, 1999:158).

با شناخت اسباب و مبانی تعیین مسئول و معیار افشای موجب ضمان، حدود مسئولیت کارگر سابق مشخص شد. به‌عنوان مثال در استفاده بلاجهت، استفاده‌کننده فقط تا حدی که به دارائی او افزوده شده ضامن است (Safaei, 1985: 14) در ارزیابی میزان خسارت قابل جبران، علاوه بر توجه به اسباب ضمان و حدود افشاء، معیارهای دیگری نیز تأثیر دارند: میزان هزینه، زمان و فعالیت مصروف شده برای تحصیل اسرار تجاری (Rahbari, 2016: 29)، قابل پیش‌بینی بودن ضرر (Shahniaei, 1390: 229) کاهش قیمت محصولی که راز تجاری مورد نقض در فرآیند تولید یا فروش آن به‌نوعی به کار رفته است (Glick, Reymann, & Hoffman, 2002: 337) اهمیت کمی و کیفی عمل ضد رقابت، میزان تأثیر منفی بر بازار، تعدد و تکرار عمل ارتكابی و زمان و مکان ارتكاب که در آیین‌نامه تعیین میزان جرائم نقدی متناسب با عمل ارتكابی در رویه‌های ضد رقابتی» موضوع بند (۱۲) ماده (۶۱) برای تعیین جرایم نقدی پیش‌بینی شده برای تعیین میزان خسارات قابل جبران قابل استناد است.

نتایج

۱- ماهیت اسرار تجاری مال بوده و حق کارفرمای سابق نسبت به اسرار تجاری حق عینی است. با در نظر گرفتن مفهوم و ماهیت اسرار تجاری، اطلاعات جزئی، کم اهمیت، مبهم و مهارت‌های فردی بخشی از دانش فردی کارگر سابق بوده و افشای آن در مشاغل بعدی سبب مسئولیت مدنی نیست. در مقابل، مصادیقی که کارفرما برای کسب آن اقدام به سرمایه‌گذاری کرده، دارای ارزش اقتصادی و از مصادیق اسرار تجاری و طبعاً کارگر سابق ملزم به رازداری است.

۲- افشای موجب ضمان توسط کارگر سابق، قرارداد اسرار تجاری در اختیار دیگران بدون

اجازه کارفرما یا نماینده وی یا بدون مجوز قانون است. از نظر دامنه افشای موجب ضمان، افشای اسرار تجاری حتی به صورت محدود نیز موجب مسئولیت مدنی است.

۳- ریشه مسئولیت‌های متصوره کارگر سابق، قرارداد نیست، با اتمام رابطه استخدامی و انحلال قرارداد منشأ، در صورت افشای اسرار تجاری توسط کارگر سابق، ماهیت مسئولیت مدنی خارج از قرارداد است.

۴- ید کارگر سابق نسبت به اسرار تجاری امانت قانونی بوده و مطابق قاعده، امین ضامن نیست، مگر این که تعدی و تفریط کرده باشد. در صورت افشای اسرار تجاری با استفاده از مبانی تعیین مسئول از جمله غضب، اتلاف، تسبیب و غرور، زیان‌زننده، مسئول و مبنای مسئولیت مدنی قابل تعیین است.

۵- با امانت قانونی توصیف شدن ید کارگر سابق قبل از انکار و استنکاف از استرداد اسرار تجاری، در صورت افشاء شدن اسرار تجاری، اصل بر مینا بودن نظریه تقصیر است، لیکن در صورت انطباق عمل با غضب و اتلاف و دارا شدن بلاسبب، مبنای مسئولیت مدنی نظریه تقصیر نیست.

۶- به جهت این که تعهد به رازداری برای کارگر با تسلیم اطلاعات محرمانه با هدف مشخص و استفاده در چهارچوب مشخص صورت می‌گیرد و کارفرما از ابزارهای مشخصی جهت حفظ اسرار تجاری استفاده می‌کند که نشان‌دهنده محرمانه بودن اطلاعات است، عدم اعلام صریح محرمانگی مانع تحقق مسئولیت مدنی نیست. با این وجود، در صورت سبک بودن تقصیر کارگر سابق به جهت عدم اعلام محرمانگی، مسئولیت مدنی کارگر سابق قابل تخفیف است.

۷- در ارزیابی میزان خسارت قابل جبران، علاوه بر توجه به اسباب ضمان و حدود افشاء، معیارهای دیگری نیز تأثیر دارند: میزان هزینه، زمان و فعالیت مصروف شده برای تحصیل اسرار تجاری، قابل پیش‌بینی بودن ضرر، کاهش قیمت محصولی که اسرار تجاری مورد نقض در تولید یا فروش آن به کار رفته، اهمیت کمی و کیفی عمل ضد رقابت، میزان تأثیر منفی بر بازار، تعدد و تکرار عمل ارتكابی و زمان و مکان ارتكاب نیز در ارزیابی میزان خسارت قابل جبران مؤثر است.

فهرست منابع

[1] Al-Ameli, ZA [Shahid Thani]. (1996). Masalak al-Afham. Vol. 12, Qom:

- Institute of Islamic Studies. (In Arabic)
- [2] Alidost, A. (2016). Unfair and unjustified possession of the Iranian legal system and its comparison with the misappropriation of property, *New Research in Jurisprudence*, No. 1. (In Persian)
- [3] Aslani, HR. (2010). *Information Technology Law*, Tehran: Mizan Publication. (In Persian)
- [4] Badini, H. (2004). The Purpose of Civil Liability, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, No. 66. (In Persian)
- [5] Bahrami-Ahmadi H. (2009). *Civil Liability*, Tehran: Mizan Publication. (In Persian)
- [6] Bariklou, AR. (2017). *Civil Liability*, Tehran: Mizan Publication. (In Persian)
- [7] Bojnurdi, SH. (1998). *The rules of jurisprudence*, Vol. 2, Qom: Al-Hadi Publication. (In Arabic)
- [8] Cornish, W., & Llewelyn, D. (1981). *Intellectual Property: Patents, Copyright, Trade Marks and Allied Rights*, 6 th.
- [9] Correa, C. M. (2000). *Intellectual property rights, the WTO and developing countries: the TRIPS agreement and policy options*: Zed books.
- [10] Dayani, A & Eshghpour, M. (2016). Levels of Fault in Iranian Civil Liability Law, *Journal of Ardabil Bar Association*, No. 2. (In Persian)
- [11] Dean, R. (2002). *The law of trade secret and Personal Secret (2nd Edition ed.)*. Australia: Thomson. (In Persian)
- [12] Elizabet, A., Martin. A. (2003). *Dictionary of Law*, Oxford, Oxford University press (t. ed Ed.).
- [13] Elsan, M. (2008). Crimes against trade secrets, *Quarterly Journal of Law*, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, No. 4. (In Persian)
- [14] Emami, H. (2004). *Civil Law*, Vol. 1, Tehran: Islamic Bookstore publication. (In Persian)
- [15] Eshghpour, M. (2017). *The condition of aggression in lawsuits of aggressive possession and usurpation*, Tehran: Behnami Publications. (In Persian)
- [16] Glick, M. A., Reymann, L. A., & Hoffman, R. (2002). *Intellectual property damages: guidelines and analysis*: John Wiley & Sons.
- [17] Hekmatnia, M. (2007). *Fundamentals of Intellectual Property*, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- [18] <https://www.revolvy.com/page/Oxford-v-Moss>. (Last visited: 06/26/2020).
- [19] Hur, R. K. (2000). Takings, trade secrets, and tobacco: mountain or molehill? *Stanford Law Review*, 447-490.
- [20] Katouzian, N. (2004). *Civil Law, General Rules of Contracts*, Vol. 2, Tehran: Enteshar Co. Publication. (In Persian)

- [21] Katouzian, N .(2016). Civil Law, General Rules of Contracts, Vol. 3, Tehran: Enteshar Co. Publication. (In Persian)
- [22] Katouzian, N .(2016). Legal Applications, Contract-Conversion, Tehran: Enteshar Co. Publication. (In Persian)
- [23] Katouzian, N .(2018). Obligations outside the contract, civil liability, Vol. 1 & 2, Tehran, Ganje-Danesh publication.
- [24] Katouzian, N .(2018). Property and ownership, Tehran: Mizan publication. (In Persian)
- [25] Khodabakhshi, A .(2016). Compensation of workers in the civil liability system, Tehran: Enteshar Co. Publication. (In Persian)
- [26] Linton, K .(2016). The importance of trade secrets: new directions in international trade policy making and empirical research. J. Int'l Com. & Econ., 1.
- [27] Lorrassa, M .(1996). Civil Liability, translated by Mohammad Ashtari, Tehran: Hoqouqdan Publication. (In Persian)
- [28] Mohaqeq-Damad, SM .(2017). Rules of Civil Jurisprudence, Tehran: Publication of Islamic Sciences Center. (In Persian)
- [29] Mohseni, F .(2015). Privacy Information, Tehran: Imam Sadeq University Press. (In Persian)
- [30] Mostafavi, SK .(2011). Rules of Jurisprudence, translated by Azizullah Fahimi, Tehran: Mizan Publication. (In Persian)
- [31] Mousavi-Khomeini, SR. (2004). Tahrir al-Wasila, translated by Ali Eslami, Vol. 2, Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- [32] Najafi, MH .(1983). Jawahar al-Kalam Fi Sharh Sharia al-Islam, Vol. 37, Beirut: Dar al-Ahya al-Tarath al-Arabi publication. (In Arabic)
- [33] Qasemi, N & Karmozdi, A .(2009). Civil Liability of Commanders and Officers in Iranian Law, Tehran: Khate Sevvom Publication. (In Persian)
- [34] Safaei, SH & Rahimi, H .(2016). Civil Liability (Non-Contractual Requirements), Tehran: Samat publication. (In Persian)
- [35] Safaei, SH & Rahimi, H .(2018). Comparative Civil Liability, Tehran: Institute for Legal Studies and Research. (In Persian)
- [36] Safaei, SH .(1985). Citing Unconditional Use Despite a Contractual Relationship, International Legal Journal, No. 2. (In Persian)
- [37] Sarvi, MB .(2012). Applied Civil Law, Tehran: Negin Press. (In Persian)
- [38] Shahniaei, A .(2011). Legal Assistance in Technical Knowledge and Its Effects, Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, No. 4. (In Persian)
- [39] Tabatabai-Yazdi, SMK .(2000). Hashiyeh al-Makasib, Vol. 1, Qom:

Publication of Ismailian Institute. (In Arabic)

[40] Yasrebi, A .(2006). Irrational Use in Islamic Jurisprudence and Comparative Law, Religious Research, Second Year. (In Persian)

[41] Yazdaniyan, A .(2016). General Rules of Civil Liability with Comparative Study of French Law, Vol. 1, Tehran: Mizan Publication. (In Persian)